

بسم الله الرحمن الرحيم و بذكر وليه عجل الله تعالى فرجه الشريف

متن روایت سوم : گم شده ...

دوازده ، سیزده سالم بود ، تو قطار به سمت مشهد

از پنجره ی کوپه دنبال پیدا کردن طلایی گنبد بودیم که یهو مامان اشکاشو پاک کرد، گفت : بچه ها نگاه کنین، نگاه کنین رسیدیم. ما هم چمدونا رو جمع کردیم و رفتیم به سمت حسینیه

یه ساعت نگذشته بود بابا اومد گفت : بچه ها تا ناهار رو حاضر کنن ما یه سر سریع بریم حرم و برگردیم مامانم قانونش این بود، کاری به خیابون و جای حسینیه و فاصلمون نداشت.

میگفت هر جا هستیم باید از باب الجواد بریم تو ... خوب حرفی هم نبود، کلی هم حال داشت

خلاصه تو شلوغی جمعیت اذن دخول رو خوندیم و رفتیم به سمت حرم. شلوغی فاصله ی ما رو از هم زیاد کرد، مامان بین سیاهی چادرا گم شد، بابا بین شلوغی مردا...

من موندم و چهار طرفی که نمیشناختم، خودم و با هزار مکافات و ببخشید و آقا معذرت میخوام رسوندم به یه خادم پر به دست، از اونایی که آرامش از تو چشاشون موج میزنه، بوی حرم میدن، هممون دیدیم.

گفتم : آقا ! ببخشید آقا ... ما با بابامون داشتیم میومدیم حرم آقا ... آقا یهو تو شلوغی جمعیت بابامون گم شد آقا ... آقا به خدا ما بی تقصیریم آقا ... بابامون گم شد

خادمه یه نبات از تو جیبش در آورد گفت : بیا پسر مزه مزه کن ، آخه بابات که گم نمیشه، آروم که شدی سر فرصت بگو ببینم اصلا چی شده؟

یه جووری که انگار صدام رفته بالا میگم : آقا ! من که الان اینجام ، میبینید که ... پس من هستم و این بابامه که گم شده ... نمیدونم چرا ولی سر تا پای خادمه شده بود تعجب

گفت : پسرم دقت داری چی میگی؟! آخه بابات که گم نمیشه، بابات بزرگ تره ، بلد تره ، مهربون تره ، تو الان بی کس شدی ، آخه پسرم تو الان گم شدی ...

نباتی که خادم بهم داده رو میذارم زیر زبونم تا دهنم شیرین بشه، اما تلخه ، از خدا که پنهون نیست ، از تو چه پنهون نبودنت زهره، دیدی بازم گفتم نبودنت ، همش اشتباه میکنم ، همش فکر میکنم نیستی، ولی

آقاجون با همه ی این تفاسیر من خیلی دوستت دارما ، یعنی خیلی خیلی دوستت دارم ، خودت که میدونی فقط یه ذره سرم شلوغه ، یه چندتا کار عقب افتاده ، یه ذره گرفتاری دارم، ببخشید فرصت نمیکنم باهات قشنگ بشینم صحبت کنم، بهت سلام بدم راستی ... راستی آقاجون سلام ... دلم خوشه، دلم خوشه جوابم رو میدیدن، ببخشید ... آقاجون؟! باز چرا بغض کردین؟! ... یعنی باز بخاطر من دارین گریه میکنین!؟

متن نوا ...

..... (۲) (چرا بخاطر من گریه می کنی آقا؟) (۲) منی که مایه ی ننگم برای مثل شما

..... (۲) (فدای قلب رثوفت که نیمه شب تا صبح) (۲) (برای عفو گناهم تو می کنی نجوا) (۲)

آقا.....

..... اگرچه مایه ی ننگم، اگر که بد هستم همین که نام تو را می برند و در هر جا

.....

دلم هوای تو را می کند نمی دانم ، کدام گوشه برم این دل خرابم را ؟

..... اگر که لایق درگاهتان نخواهم شد (دعا بکن که نباشم بخواه مرگم را) (۳)

آقا..... بیا بیا ...

[لینک فایل صوتی نوا روایت گم شده ...](#)

التماس دعای فرج